

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۹ دسمبر ۲۰۱۹

علی رغم ۱۰۰ هزار کشته و زخمی، باز هم سکوت؟؟

شنبه- ۰۷ جدی ۱۳۹۸ - کابل: "دفتر سازمان ملل متحد در افغانستان می‌گوید که از سال ۲۰۰۹ تا کنون بیش از صد هزار غیرنظامی در افغانستان کشته شده و یا هم زخم برداشته اند."

آنچه در فوق از نظراتان گذشت و موضوع یادداشت مختصر امروز ما را می‌سازد، اعتراف ننگینی است که از زبان نماینده خاص "ملل متحد" در امور افغانستان به روز پنجشنبه، پنجم جدی یعنی دو روز قبل بیان شده است. اما:

۱- اعتراف به چنین جنایت دهشتناکی آنهم از زبان نماینده "ملل متحد" که کمترین مبالغه ای در آن وجود ندارد، در اساس می‌تواند سیلی محکمی باشد بر رخسار کثیف تمام آنهایی که نه تنها دیروز اشغال افغانستان را "فرصتی" می‌دانستند برای نوسازی افغانستان، بلکه با وجود تمام جنایاتی که در این ۱۸ سال اسارت و مستعمره شدن کشور ما همه روزه اتفاق می‌افتد هنوز هم؛ عده ای که خود را در عقب جاسوس و ظنفرش "غنی احمدزی" و باندش و عده ای دیگر در عقب اخوانی و ظنفرش "عبدالله عبدالمود" پنهان می‌دارند، اما در اصل خود از جمله سگهای زنجیری و جیره خواران امپریالیسم امریکا و بقیه اشغالگران اند؛ جاری شدن جوی های خون را در کشور نمی‌خواهند ببینند و همه روزه بدون شرم از خون جانبازان به خاک کشیده شده و بدون شرم از خود، فرزند، شوهر، زن و بقیه اعضای خانواده های شان، همان ارجیف را نشخوار می‌نمایند و باز هم از اشغال افغانستان به وسیله اشغالگران غربی به دفاع بر می‌خیزند.

۲- این طیف خاین و ظنفرش که تعدادی از آنها در کشور های غربی از اروپا گرفته تا امریکا، کانادا، زیلانده نو و استرالیا جای خوش کرده اند و نمی‌توانند حتا برای یک ساعت در ۲۴ ساعت، در بهترین قسمت شهر کابل، یعنی در شهر نو از تراکم دود و گاز کاربن دای اکساید، بدون ماسک گشت و گذار نمایند، علی‌رغم خواندن چنین ارقامی آنهم از زبان مجری تجاوز، وقتی به نفع اشغال و اشغالگر قلم می‌زند و به دفاع از جواسیس تکنوکرات و یا هم جنایتکاران اخوان چیزی می‌نویسند، برای من نوعی که در تمام عمرم بر انسانی فیر نکرده ام یگانه احساسی که دست می‌دهد، همان دیدن ماشیندار از پشت شیشه است که صمد بهرنگی از آن یاد کرده و آرزوی داشتن آن را به قهرمانش نسبت می‌دهد.

۳- درکنار توصیف و تمجید خاینان به کشور و قاتلان فرزندان آنها، سکوت بزدلانه رسانه‌ها به خصوص آنهایی که ادعای مردمی بودن دارند، نیز ننگ دامن هرچه نویسنده و قلمزن است می‌باشد.

در جریان ده سال بیش از ۱۰۰ هزار از هموطنان ما کشته و زخمی می شوند- این که به هزاران مورد ثبت نشده و جای شان خالی است، باشد سرچایش- یکی از طرفهای چنین قتل عامی خود به زبان خودش می آید و بدان اعتراف می نماید، مگر از ما مردم نه از چپ ما و نه هم از راست ما کمترین صدائی بلند نمی شود. این که در این و یا آن کشور چند نفر کشته می شود و یا هم نمایش داده می شود، که کشته شده اند، شورای امنیت تصمیم می گیرد تا نظام آن کشور را که گویا چند ده نفر را کشته است از میان بردارد، مگر در کشور ما نمایندگان شورای امنیت خود همه ساله بیش از ۱۰ هزار از هموطنان بیگناه ما را نیست و نابود می نمایند، این که خود جنایتکاران چیزی در زمینه نگویند، قابل فهم است، زیرا گفته اند که چاقو دسته اش را نمی برد، مگر این که ما یعنی و تو ساکت می مانیم، گزارش را می خوانیم مگر ارقام را در سطح ارقام وارد ذهن خود ساخته، به آنها شکل، جسم و چهره نمی دهیم و ذهن ما را به کار نمی اندزیم تا آن ۱۰۰ هزاره چهره و جسم را که حق داشتند به مانند من و تو زندگی نمایند، نمی دانم شما نام می گذارید، خودم با تأسف برای بیان این سکوت بزدلانه کلمه ای نیافتم.

هموطنان گرامی!

این ۱۰۰ هزار همه هموطن ما بودند، انسان بودند، خانواده داشتند، در جمع آنها هزاران کودک و زن وجود داشت، آنها همه بنا بر اعتراف نماینده ملل متحد، هیچ یک سهمی در جنگ و قتال استعمار و ارتجاع نداشتند، یعنی در کمال بیگناهی و مظلومیت به قتل رسیده اند، فکر نمی کنید سکوت من و تو، ما را در کنار قاتلان آنها قرار می دهد؟ هیچ فکر کرده اید که مسبب تمام این بدبختی ها و قتل های عام همین "ملل متحد" و مأموریت ضد انسانی آن در افغانستان است؟؟ هیچ فکر کرده اید که مسبب دیگر این قتل عام دهشتناک، موجودیت دولت دست نشانده و حاکمیت جواسیس و جنایتکاران بر کشور ماست؟ من که چنین می اندیشم و از همین رو بارها نگاشته ام:

سرکها ما را می طلبد!